

An Interpretive Analysis of the Role of Divine Love in Family Interactions from the Perspective of the Holy Quran and a Comparison with the Western Model

Ali Jalaeian¹, Mohammad Ali Alipour², Saleh Waziri Zadeh³

Abstract

In the current modern world, families are facing crises in maintaining cohesion and healthy relationships more than ever before. The spread of individualism, social pressures, and a decline in attention to spiritual values have led to the weakening of family solidarity. This consequence not only threatens the psychological and social well-being of family members but also impacts the broader societal foundations. This fundamental challenge highlights the necessity of seeking effective solutions to reconstruct and strengthen family relationships. Accordingly, the present research, employing a descriptive-analytical approach, examines the role of divine love in improving family relationships. The research objectives include explaining the impact of divine love on increasing empathy and positive interaction among family members, strengthening spiritual and God-centered relationships as tools for promoting cooperation, mutual respect, and sacrifice, and identifying practical strategies for increasing trust and psychological security within the family. The findings indicate that love for Almighty God, as a driving force, leads to increased cohesion, empathy, and positive interaction among family members, leaving significant impacts in various domains, including ethics, upbringing, economics, and family lifestyle.

Keywords: Divine Love, Family Relationships, Islamic Teachings, The West.



1 . Faculty Member, Razavi Islamic University

2 . Graduate of the Fourth Level of the Khurasan Seminary

3 . Graduate of Quran and Hadith Sciences, Razavi University



تحليل تفسيرى لدور المحبة الإلهية فى التفاعلات الأسرية من منظور القرآن الكريم ومقارنتها بالنموذج الغربى

على جلائيان^١، محمد على على بور^٢، صالح وزيرى زاده^٣

ملخص

فى عالم الحداثة الحالى، تواجه الأسر، أكثر من أى وقت مضى، أزمة فى الحفاظ على تماسكها وعلاقاتها السليمة. إن انتشار الفردية، والضغط الاجتماعية، وتراجع الاهتمام بالقيم الروحية قد أدى إلى إضعاف التماسك الأسرى؛ وهى نتيجة لا تهدد فقط الصحة النفسية والاجتماعية لأفراد الأسرة، بل تؤثر أيضاً على الأسس المجتمعية الكبرى. هذا التحدى الجذرى يوضح ضرورة البحث عن حلول فعالة لإعادة بناء العلاقات الأسرية وتعزيزها. بناءً على ذلك، تناولت هذه الدراسة، بمنهج تحليلي-وصفي، دور المحبة الإلهية فى تحسين العلاقات الأسرية. تشمل أهداف البحث تبين أثر المحبة الإلهية فى زيادة التعاطف والتفاعل الإيجابى بين أفراد الأسرة، وتعزيز العلاقات الروحية والتركيز على الله كأدوات لتعزيز التعاون والاحترام المتبادل والتضحية، بالإضافة إلى تحديد استراتيجيات عملية لزيادة الثقة والأمن النفسى فى الأسرة. تشير النتائج إلى أن حب الله تعالى، كقوة دافعة، يؤدى إلى زيادة التماسك والتعاطف والتفاعل الإيجابى بين أفراد الأسرة، وله تأثيرات كبيرة فى مجالات متنوعة تشمل الأخلاق، والتربية، والاقتصاد، وأسلوب الحياة الأسرية. الكلمات المفتاحية: المحبة الإلهية، العلاقات الأسرية، التعاليم الإسلامية، الغرب.

١. عضو هيئة علمية بجامعة العلوم الإسلامية الرضوية

٢. خريج المستوى الرابع بالحوزة العلمية بخراسان

٣. خريج علوم القرآن والحديث بجامعة الرضوية

تحلیل تفسیری نقش محبت الهی در تعاملات خانوادگی از منظر قرآن کریم و مقایسه با الگوی غربی

علی جلائیان^۱، محمد علی علیپور^۲، صالح وزیری زاده^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۲۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۲۷

چکیده

در جهان مدرن کنونی، خانواده‌ها بیش از هر زمان دیگری با بحران در حفظ انسجام و روابط سالم مواجه‌اند. گسترش فردگرایی، فشارهای اجتماعی و کاهش توجه به ارزش‌های معنوی سبب شده است که همبستگی خانوادگی تضعیف شود؛ پیامدی که نه تنها سلامت روانی و اجتماعی اعضای خانواده را تهدید می‌کند، بلکه بنیان‌های کلان اجتماعی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. این چالش بنیادین، ضرورت جست‌وجوی راهکارهایی مؤثر برای بازسازی و تقویت روابط خانوادگی را آشکار می‌سازد. بر همین اساس، پژوهش حاضر با رویکرد تحلیلی-توصیفی به بررسی نقش محبت الهی در بهبود روابط خانوادگی پرداخته است. اهداف تحقیق شامل تبیین تأثیر محبت الهی بر افزایش همدلی و تعامل مثبت میان اعضای خانواده، تقویت روابط معنوی و خدامحوری به عنوان ابزارهایی برای ارتقای همکاری، احترام متقابل و فداکاری و همچنین شناسایی راهبردهای عملی برای افزایش اعتماد و امنیت روانی در خانواده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که عشق و محبت به خداوند متعال به عنوان یک نیروی محرک، موجب افزایش انسجام، همدلی و تعامل مثبت میان اعضای خانواده می‌شود و در حوزه‌های گوناگون از جمله اخلاق، تربیت، اقتصاد و سبک زندگی خانوادگی تأثیرات چشمگیری بر جای می‌گذارد.

کلید واژه‌ها: محبت الهی، روابط خانوادگی، آموزه‌های اسلامی، غرب

۱- عضو هیئت علمی دانشگاه علوم اسلامی رضوی

۲- دانش آموخته سطح ۴ حوزه علمیه خراسان

۳- دانش آموخته علوم قرآن و حدیث دانشگاه رضوی



خانواده در آموزه‌های اسلامی و به‌ویژه در قرآن کریم، بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی و تربیتی معرفی شده است؛ نهادی که بقای آن وابسته به پیوندهای عاطفی و معنوی میان اعضاست. در شرایط کنونی، توجه بیش از حد به مسائل اقتصادی، توقعات مادی و سبک زندگی فردگرایانه، موجب کاهش انس و همبستگی درون خانواده‌ها شده است. در چنین فضایی، یکی از عوامل اصلی بازسازی و تحکیم روابط خانوادگی، بازگشت به مفاهیم معنوی و الهی، به‌ویژه «محبت الهی» است.

محبت در قرآن صرفاً یک احساس زودگذر یا رابطه عاطفی ساده نیست، بلکه جلوه‌ای از رحمت الهی است که باید در روابط خانوادگی جریان یابد و موجب آرامش، خدمت متقابل و همزیستی پایدار شود. با وجود تعامل روزمره گسترده میان اعضای خانواده و بروز سوء تفاهم‌ها، تنها رویکردی دینی و الهی می‌تواند زمینه‌ساز صبر، گذشت و نگاه دوستانه‌تر به یکدیگر باشد. تقویت محبت الهی در زندگی، روابط را از سطح مادی فراتر برده و آنها را به افق‌های معنوی پیوند می‌زند.

ضرورت این پژوهش در آن است که خانواده، به‌عنوان اجتماع کوچک انسانی، اگر بر پایه محبت الهی سامان یابد، می‌تواند به سلامت اخلاقی و اجتماعی جامعه نیز بینجامد. ایمان به خدا و انجام امور به‌خاطر او، انگیزه‌ای قوی برای خدمت، گذشت و تحمل در روابط خانوادگی ایجاد می‌کند. از این رو، بررسی تفسیری نقش محبت الهی در قرآن و استخراج الگوی خانواده مطلوب بر اساس آن، گامی مهم در جهت تبیین راه‌حل‌های پایدار برای ایجاد روابط سالم و پایدار خانوادگی است. این پژوهش همچنین با مقایسه این الگو با رویکردهای غربی به خانواده، در پی ارائه الگویی قرآنی-تفسیری برای خانواده‌ای است که اعضای آن بر پایه محبت الهی به یکدیگر پیوند خورده‌اند.

سؤال اصلی این مقاله تحلیل تفسیری نقش محبت الهی در تعاملات خانوادگی از منظر قرآن کریم و مقایسه با الگوی غربی است. علاوه بر این، جزئیات روابط مختلف در حوزه‌های اخلاق، اقتصاد، دلدادگی، تربیت و بهداشت نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد.



پیشینه این پژوهش نشان می‌دهد که براساس جستجوهای نگارنده، موضوع «تحلیل تفسیری نقش محبت الهی در تعاملات خانوادگی از منظر قرآن کریم و مقایسه با الگوی غربی» در هیچ یک از منابع موجود به طور خاص مورد بررسی قرار نگرفته است. پژوهش‌های پیشین درباره محبت الهی عمدتاً به موضوعاتی نظیر «محبت خدا در تربیت عاطفی کودک: ضرورت و راهکارها»، «عوامل و موانع محبت خدا» و «در محضر عالمان: مراتب و شرایط محبت خدا» پرداخته‌اند. شاید نزدیک‌ترین پژوهش به موضوع این مقاله، اثر سید محمدرضا حسینی نیا با عنوان «واکاوی نقش محبت به خدا در عبودیت از نگاه قرآن و حدیث با رویکردی بر نظرات آیت‌الله جوادی آملی» باشد که در شماره ۱ نشریه اخلاق و حیانی منتشر شده است. در این پژوهش، حسینی نیا معتقد است که محبت به خداوند تنها با خالی کردن دل از محبت‌های غیرحق قابل دستیابی است و می‌تواند به عنوان نقطه شروعی برای تحرک انسان عمل کند. مقاله حاضر قصد دارد به طور خاص به بررسی نقش محبت الهی در ایجاد روابط سالم در خانواده بپردازد.

۱. مبانی مفهومی و روش‌شناسی تفسیری

«حُبّ» به معنای دوستی از واژه‌ی «حبه» (دانه) مشتق شده است، به این بیان که دوستی در لغت عرب از «حَبَّةُ الْقَلْبِ» گرفته شده است و حَبَّةُ الْقَلْبِ به مرکز و وسط قلب گفته می‌شود که از جهت کوچکی به دانه (حبه) تشبیه شده است، و چون دوستی و محبت نسبت به چیزی، گویی وارد مرکز دل و قلب می‌شود، لذا به دوستی و عشق «حَبّ» و «مَحَبَّت» اطلاق شده است. (واعظ زاده، محمد، ۱۳۸۸، ج ۱۰، ص ۵۹۵) بنابراین محبت همان میل طبع انسان به چیزی است که لذت بخش است. (المحجة البيضاء، ج ۸، ص ۰۸)

محبت در زبان قرآن مفهومی فراتر از عاطفه صرف است. واژه‌های متعددی برای بیان این معنا به کار رفته‌اند، از جمله «مَوَدَّة»، «رحمت» و «حَبّ». در آیه «وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (روم/۲۱) (طباطبایی، ۱۳۹۰ الف، ج ۱۶، ص ۱۶۵)، محبت به عنوان نیرویی الهی معرفی می‌شود که اساس آرامش و سکون در روابط همسری است. بنابراین محبت در قرآن، ریشه در رحمت





الهی داشته و با تعهد، گذشت، ایثار و خدمت به یکدیگر همراه است، نه صرفاً یک کشش احساسی و زودگذر.

خانواده در نگاه قرآنی، نهادی است که بر اصل «زوجیت» بنا شده و هدف آن ایجاد آرامش (سکینه)، تداوم نسل و پرورش اخلاقی-ایمانی فرزندان است. آیات متعددی همچون «هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ» (بقره/۱۸۷) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۶۴۸)، (فرقان/۷۴) و (لقمان/۱۴) بر این نقش تأکید دارند. بنابراین، خانواده در قرآن نه صرفاً یک قرارداد اجتماعی، بلکه پیوندی الهی-انسانی است که در آن محبت و رحمت الهی جریان می‌یابد.

این پژوهش بر پایه رویکرد تفسیر موضوعی قرآن کریم سامان یافته است. بدین منظور ابتدا آیات مرتبط با محبت، مودت، رحمت و روابط خانوادگی شناسایی شده، سپس با تحلیل واژگانی و سیاقی آنها، مبانی معنایی و مفهومی استخراج گردیده است. در ادامه برای فهم دقیق‌تر مفاهیم، از تفاسیر معتبر بهره‌گیری شده است. پس از تحلیل تفسیری، داده‌ها سامان یافته است. در مرحله نهایی، یافته‌های تفسیری با نظریه‌های غربی درباره خانواده به شیوه تطبیقی مقایسه شده تا تفاوت‌ها و تمایزهای بنیادین دو نگرش روشن شود.

۲. مفاهیم قرآنی محبت و خانواده

قرآن کریم با به کارگیری واژگانی چون حُب، مودت، رحمت و سکینه، ابعاد گوناگون و مکمل محبت را در نهاد خانواده تشریح می‌کند و نشان می‌دهد که پیوند زناشویی، والدینی و خویشاوندی، همگی از سرچشمه محبت الهی و عمل آشکار آن شکل می‌گیرند. در این نگاه، روابط خانوادگی نه صرفاً پاسخی به غرایز یا نیازهای اجتماعی، بلکه بستری برای تجلی ارزش‌های الهی، تربیت اخلاقی و رسیدن به آرامش حقیقی است. اساس ارتباط همسران، پیوند والدین و فرزندان و حتی خویشاوندان، بر محور مودت و رحمت سامان یافته و به سکینه و رشد معنوی می‌انجامد. بنابراین، خانواده قرآنی کانون تبلور محبت الهی در عرصه اجتماع و زیربنای سلامتی و تعالی انسان معرفی می‌شود.



الف. محبت در قرآن

محبت در قرآن کریم مفهومی ژرف و چندلایه است که تنها به معنای کشش عاطفی یا علاقه قلبی خلاصه نمی‌شود. قرآن برای بیان این حقیقت از واژه‌هایی چون حب، مودّت، رحمت و سکینه استفاده می‌کند. حبّ بیشتر در نسبت میان بندگان و خدا به کار می‌رود: «إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (بقره/۱۹۵) (طوسی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۱۵۱)؛ یعنی محبت الهی به انسان‌ها مشروط به رفتار اخلاقی و ایمانی است.

مودّت به معنای محبت آشکار و عملی است؛ آیه «وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (روم/۲۱) نشان می‌دهد که محبت در خانواده، صرفاً احساس درونی نیست بلکه در رفتار، گذشت و همدلی نمود پیدا می‌کند. رحمت بُعد دیگری از محبت است که بر عطوفت، ایثار و بخشش استوار است؛ رحمت الهی در خانواده موجب تحمل سختی‌ها و گذشت از خطاها می‌شود. سکینه ثمره محبت الهی است که آرامش روحی و روانی را در روابط خانوادگی ایجاد می‌کند. بنابراین، محبت در قرآن یک نیروی الهی است که هم بُعد الهی-انسانی دارد (محبت خدا به بندگان و محبت بندگان به خدا) و هم بُعد انسانی-اجتماعی (مودّت و رحمت در روابط خانوادگی).

ب. خانواده در قرآن

خانواده در نگاه قرآنی نهادی الهی و طبیعی است که بر پایه زوجیت و پیوند مقدس زن و مرد بنا می‌شود. این نهاد نه تنها کارکرد زیستی (تداوم نسل) دارد، بلکه کارکرد معنوی و تربیتی نیز ایفا می‌کند.

بعد همسری: قرآن رابطه زن و شوهر را به «لباس» تشبیه می‌کند: «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ» (بقره/۱۸۷)؛ این تعبیر نشانگر صمیمیت، پوشش‌دهی و حفاظت متقابل است. بعد والدینی: محبت والدین نسبت به فرزند، جلوه‌ای از رحمت الهی است؛ آیات (لقمان/۱۴) و (احقاف/۱۵) بر زحمات مادر و وظیفه نیکی به والدین تأکید دارند. بعد فرزندی: قرآن احترام و احسان به والدین را واجب می‌داند: «وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (اسراء/۲۳) (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص



(۲۹۶)، که نوعی محبت عملی و اخلاقی در جهت معکوس محبت والدین است. بعد خویشاوندی: پیوندهای خونی و رحم در قرآن ارزشمند شمرده شده و حفظ آن (صله رحم) به عنوان وظیفه اخلاقی و دینی معرفی شده است.

در مجموع، خانواده در قرآن نهادی است که در آن محبت الهی در قالب مودت، رحمت، صله رحم و احترام متقابل تجلی می‌یابد و هدف آن ایجاد سکینه، تربیت ایمانی و تعالی معنوی انسان است.

۱.۳. اهمیت محبت الهی

مؤمنان از سر شناخت ژرف و بصیرت به ذات احدیت، عشقی وافرو بی‌پایانی به خدای متعال دارند. این عشق و علاقه در قرآن کریم با عبارت «وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ» (بقره/۱۶۵) (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۶۶) ترسیم شده است. شناخت عمیق آنان از خداوند به گونه‌ای است که می‌داند تمامی خیر و مصلحت‌های بشریت برای دستیابی به مقام والای بندگی، توسط خداوند عطا شده و این هدف غایی را در خود می‌پروانند که وجودشان را در عبادت خدا و خدمت به خلق، صرف کنند. این درک معنوی و وابستگی به خدای متعال منجر به توجه مستمر آنان به خداوند می‌شود، به نحوی که در کلیه امور زندگی مراقب‌اند تا مباد دچار لغزشی شوند که باعث نارضایتی حضرت حق گردد. این احساس مستمر در قرآن با آیه «إِنَّ الَّذِينَ هُمْ مِنْ خَشْيَةِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ» (مومنون/۵۷) و نیز بیان قرآنی «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ» (انفال/۲) به نحو بارزی بیان شده است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۵، ص ۳۹). این آیات همه حاکی از عمق ارتباط معنوی و وابستگی قلبی مؤمنان به خداوند است. این بصیرت ژرف به طور پیوسته افراد را در مسیر صحیح هدایت کرده و مانع از ارتکاب خطا می‌شود، و آن‌ها را بر آن می‌دارد تا اعمال و رفتارهایشان را با نیت خالصانه و برای رضای خدای متعال انجام دهند. قرآن کریم بیان می‌کند: «مَا أُمُّرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءً.» (بینه/۵)، که بر اهمیت خلوص نیت در عبادت دلالت دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ص ۲۷، ص ۱۹۸).

مؤمنان راستین و بندگان صادق خداوند، تمام لحظات خویش را در راه او صرف می‌کنند، چرا که این راه را جوهره حقیقی بندگی می‌دانند. این ارتباط عمیق در روایات با این عبارت برجسته می‌شود: «مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا، ظَهَرَتْ يَنَابِيعُ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ.» (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۲۸۳۶). این آموزه‌ها به وضوح تأکید دارند که اخلاص در عبادت، سرچشمه‌های حکمت الهی را از قلب فرد به زبان‌ش منتقل می‌کند، به طوری که گفتارش مقامی از حکمت و دانایی را منعکس می‌کند. این اصول به طور بنیادین اهمیت اخلاص در دین‌داری و ارتباط با پروردگار را نشان می‌دهند، و تأکید می‌کنند که مسیر اخلاص نه تنها راهی به سمت بندگی خالصانه است، بلکه راهی به سوی درک عمیق‌تری از حکمت الهی و تجلی آن در زندگی روزمره می‌باشد.

اخلاص باعث می‌شود حق بندگی خدا ادا شود. این نوع رفتار خالصانه به معنای بی‌توجهی به دیگران و تغافل از رفتار بد آنان است، تا مبدا از توجه به دستگاه ربوبی غافل شوند. «لَا يَكُونُ الْعَبْدُ عَابِدًا لِلَّهِ حَقَّ عِبَادَتِهِ حَتَّى يَنْقَطِعَ عَنِ الْخَلْقِ كُلِّهِمْ إِلَيْهِ، فَحِينَئِذٍ يَقُولُ: هَذَا خَالِصٌ لِي فَيَقْبَلُهُ بِكَرَمِهِ» (حسن بن علی، ۱۴۰۹، ص ۳۲۸).

توجه به ساحت مقدس پروردگار، انسان را به درجه‌ای از بندگی می‌رساند که تمامی حرکات و سکنات او، تنها برای محبت به خدا انجام می‌شود. «قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.» (انعام/۱۶۲) (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۶۰۳) انسان برای خداوند نماز می‌گذارد، غذا می‌خورد تا توانایی بندگی را بیابد و به خلق خدا خدمت می‌کند، چون آنان بندگان خدا و اعضای خانواده الهی هستند. «الْخَلْقُ عِيَالُ اللَّهِ فَأَحَبُّ الْخَلْقِ إِلَى اللَّهِ مَنْ نَفَعَ عِيَالُ اللَّهِ.» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۵، ص ۵۳۶) حتی ازدواج او نیز برای جلب رحمت الهی است. «مَنْ نَكَحَ اللَّهَ وَأَنْكَحَ اللَّهَ، اسْتَحَقَّ وَلَايَةَ اللَّهِ.» (فیض کاشانی، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۵۴) «إِنَّ اللَّهَ يَجِبُ النَّبِيَّ الَّذِي فِيهِ الْعُرْسُ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۵۴).

در ادعیه نیز به بندگان آموخته شده که همواره از خدای متعال بخواهند تا محبت او در دل‌هایشان افزون شود، تا به ثمرات خالص و فوزهای پر برکت در دنیا و آخرت نایل شوند. «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَمْلَأَ قَلْبِي حُبًّا لَكَ وَخَشْيَةً مِنْكَ.» (کفعمی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۲۰۵) این گونه





است که توفیق درک حضور باری تعالی برای مؤمنان واقعی حاصل می‌شود.

داشتن محبت به خانواده، با محبت به خدا تناقضی ندارد، زیرا آنها نیز بندگان خداوند هستند و محبت به آن‌ها در راستای محبت الهی است. خدای متعال حتی دوست دارد که به خانواده نیکی شود؛ البته محبت به خدا باید برتری داشته باشد. اگر محبت به کسی از عزیزان، از محبت الهی فاصله گرفته و در تقابل با آن قرار گیرد، مؤمنان باید محبت به خدا را در اولویت قرار دهند. «قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ... أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرٍ». (توبه/۲۴) (قمی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۸۴) درست است که میان اعضای خانواده محبت وجود دارد، اما چون این محبت خداوندی است، بندگان واقعی خدا در راستای محبت به خداوند، به یکدیگر محبت می‌کنند. «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ». (روم/۲۱)

۱. تحلیل تفسیری نقش محبت الهی در ابعاد مختلف خانواده

قرآن رابطه همسران را با سه محور سکینه، مودت و رحمت معنا می‌بخشد و آن را هسته تأمین آرامش، اعتماد و وفاداری در زندگی مشترک معرفی می‌کند. همین جریان محبت الهی، در عرصه فرزندپروری نیز به صورت معیار تربیتی ظاهر می‌شود و والدین را به پرورش انسان‌هایی متعالی، عادل و خلاق رهنمون می‌سازد. در این منظومه، وظایف هر عضو خانواده، فراتر از تعهد عرفی، رنگ عبادت به خود گرفته و بروز احسان، گذشت و همدلی را واجب اخلاقی می‌داند. این رویکرد معنوی، خانواده را به کانون امنیت، رشد و منابع‌بخشی تبدیل می‌کند و ظرفیت مقابله با آسیب‌های فردگرایی و گسست‌های اجتماعی را افزایش می‌دهد.

الف. بُعد همسری

در بنیان تعالیم قرآن کریم، رابطه زن و مرد در بُعد همسری با سه محور اساسی سکینه، مودت و رحمت معنا می‌یابد؛ مفاهیمی که ورای ارتباط صرفاً جسمانی، به ژرفای پیوند روانی و

معنوی زوجین اشاره دارند. محبت الهی، به منزله نیروی محرکه‌ای درونی، تعاملات همسران را تعالی می‌بخشد و زمینه‌ساز آرامش، اعتماد و وفاداری متقابل می‌شود. توصیه‌های قرآنی و روایی در لایه‌های مختلف رفتار همسری - ازامانت‌داری و عدل تا ابراز شفقت و تأمین نیازها - بر مدار محبت خداوند سامان یافته است. در چنین نگاهی، وفاداری، خیرخواهی، و گذشت، نه تنها وظیفه اجتماعی یا اخلاقی، بلکه عبادتی در مسیر تقرب به حضرت حق تلقی می‌شود. این نگاه الهی، روابط زناشویی را از سستی و آسیب‌فردگرایی محافظت کرده و آن را به مدار نوع‌دوستی و مهرورزی ارتقاء می‌بخشد.

قرآن رابطه زن و مرد را براساس سکینه، مودّت و رحمت سامان می‌دهد: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (روم/۲۱). سکینه به معنای آرامش روانی و روحی است که بدون محبت پایدار حاصل نمی‌شود. مودّت، محبت آشکار در رفتار و رحمت، عطف و گذشت متقابل است. بدین سان محبت الهی، زندگی همسری را از سطح رابطه زیستی-جنسی به سطح رابطه معنوی-انسانی ارتقا می‌دهد.

اعضای خانواده به دلیل محبت خداوند به یکدیگر اعتماد دارند. «خَافِظَاتُ لِلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ» (نساء/۳۴) و «لِلرَّجُلِ عَلَى الْمَرْأَةِ: أَنْ تَلْزِمَ بَيْتَهُ، ... وَتُؤْفِقَ بَعْدَهُ وَوَعْدَهُ» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۲۴۴) آن‌ها به این واقعیت آگاه‌اند که اعتماد متقابل یکی از عناصر کلیدی در استحکام خانواده است. سوءظن بلایی است که در صورت فقدان نگاه دینی و کاهش محبت الهی، گریبان‌گیر خانواده می‌شود. مؤمنان به دلیل خوف خداوند در تعامل با یکدیگر، به عنوان امانت‌داران مطمئن عمل می‌کنند. «تَجَنَّبْ عَدُوَّكَ، وَاحْذَرْ صَدِيقَكَ مِنَ الْأَقْوَامِ، إِلَّا الْأَمِينِ مِنَ خَشِيَ اللَّهَ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۸، ص ۱۷۲) این اعتماد بدان دلیل است که در ابتدا، حسن امانت‌داری یکدیگر را آزموده‌اند و اکنون نوبت به تقویت یقین و اعتماد است. «مَنْ اتَّخَذَ أَخًا بَعْدَ حُسْنِ الْإِخْتِبَارِ دَامَتْ صُحْبَتُهُ، وَتَأَكَّدَتْ مَوَدَّتُهُ» (آمدی، ۱۴۱۰، ص ۶۴۸) و «مَنْ انْقَادَ إِلَى الظُّمَأْنِيَّةِ قَبْلَ الْخُبْرَةِ فَقَدْ عَرَّضَ نَفْسَهُ لِلْهَلَكَةِ» (دیلمی، ۱۴۰۸، ص ۳۰۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۱، ص ۳۴۰).

مؤمنان در تعاملات اخلاقی خود با خانواده، از ظلم و ستم پرهیز می‌کنند، چرا که محبت به





خداوند در وجودشان نهادینه شده است و خداوند نیز ظلم و تعدی را نمی‌پسندد. «وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يَحِبُّ الْمُعْتَدِينَ.» (بقره/۱۹۰) و «وَاللَّهُ لَا يَحِبُّ الظَّالِمِينَ.» (آل عمران/۱۴۰) در قرآن به مؤمنان توصیه شده است که به همسران خود ظلم نکنند و آن‌ها را با نیت تعدی نگه ندارند، بلکه با نیکویی و بخشش با آنان رفتار کنند و در صورت جدایی، آن‌ها را به خوبی رها سازند. «وَلَا تُمَسِّكُوهُنَّ ضِرَارًا لِّتَعْتَدُوا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ.» (بقره/۲۳۱) و «فَمَتَّعُوهُنَّ وَسِرَّحُوهُنَّ سِرَاحًا جَمِيلًا.» (احزاب/۴۹) (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۶، ص ۱).

برای سرپرستان خانواده‌های ایمانی ضروری است که به خاطر عشق به خدا، نیازهای مادی و نفقه‌ی خانواده خود را تأمین کنند. «إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ إِطْعَامَ الطَّلَامِ.» (برقی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱۴۲) و «أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ... لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ.» (طلاق/۶) (بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۳۰۰) همچنین در آیه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ.» (نساء/۳۴) تاکید شده که مردان مراقبت و مسئولیت اقتصادی خانواده را برعهده دارند. از این رو، مؤمنان به دلیل محبت الهی، با تمام توان برای رفاه و آرامش خانواده خود تلاش می‌کنند. این تأمین نیازها از همان ابتدای تولد، به ویژه تأمین نیازهای اولیه مادر، مورد توجه قرار می‌گیرد. «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنِيمَ الرِّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ.» (بقره/۲۳۳) علاوه بر تأمین نفقه‌ی همسر و فرزندان، در صورت نیاز، والدین نیز باید از نظر مالی حمایت شوند. «مَنْ الَّذِي اجْبَرُ عَلَيْهِ وَتَلَزَمْنِي نَفَقَتُهُ؟ الْوَالِدَانِ وَالْوَلَدُ وَالزَّوْجَةُ.» (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۴۸).

برخی روانشناسان قائل هستند که شغل زنان، عاملی برای آسان شدن طلاق است. آمارها نشان می‌دهد که زنان شاغل خیلی بیشتر از دیگران تمایل به جدایی از همسر خود دارند. «نسبت طلاق در میان زنان شاغل و حرفه‌ای تقریباً دو برابر این نسبت در میان جمعیت زنان به طور کلی، بالغ می‌شود. با توجه به گروه بندی اجتماعی - شغلی شوهرها، هر چه که باشد، معلوم می‌شود که نرخ طلاق برای زوجیهایی که زن نیز شاغل است به مراتب از آنهایی که زن دارای شغل نیست فراتر می‌رود.» (مارتین سگالن، ۱۳۷۰، ص ۱۸۱)

مهربانی با خانواده یکی از ویژگی‌های اخلاقی اهل ایمان است. مؤمن‌ترین مردم کسانی هستند که با خانواده خود مهربان باشند: «أَحْسَنُ النَّاسِ إِيْمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا وَالْطُّفُّهُمْ بِأَهْلِهِ، وَأَنَا الْطُّفُّكُمْ بِأَهْلِي.» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۳۸) محبت خداوند در دل مؤمنان، آن‌ها را به مرحله‌ای می‌رساند که با تمامی بندگان، به‌ویژه همسر و فرزندانشان، با مهربانی رفتار می‌کنند. این فراگیری محبت و فروتنی در برابر افراد، وسیله‌ای برای ارتقاء و تکریم است. هر کس به‌خاطر خداوند خود را فروتن کند، خداوند او را در نظر مردم بزرگ می‌دارد: «مَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ رَفَعَهُ اللَّهُ.» (ابن شعبه، ۱۴۰۴، ص ۴۶؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۳۱۵).

اهمیت محبت زبانی مرد به همسرش به حدی است که به عمق قلب او نفوذ کرده و هرگز از یاد نمی‌رود. «قَوْلُ الرَّجُلِ لِلْمَرْأَةِ إِنِّي أُحِبُّكَ لَا يَذْهَبُ مِنْ قَلْبِهَا أَبَدًا.» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۶۹) مؤمنان خود را ملزم به ابراز محبت به همسرانشان می‌دانند و حتی اگر این امر دشوار باشد، به‌خاطر خداوند این سختی را بر خود آسان می‌کنند. با محبت به خانواده و در نظر داشتن خداوند، می‌توان توجه الهی را نیز به خود جلب کرد. «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَشَدُّكُمْ إِكْرَامًا لِخَلَائِقِهِمْ.» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵، ص ۵۸).

همان‌طور که ذکر خداوند موجب آرامش است: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ.» (رعد/۲۸)، مؤمنان که مظهر و تجلی صفات خداوند هستند، باید باعث آرامش در جامعه و به‌ویژه در خانواده خود باشند. یکی از جنبه‌های مهم در تعامل با خانواده، ایجاد آرامش برای همسر است. «حَقُّ رَعِيَّتِكَ بِمِلْكِكَ النِّكَاحِ فَإِنْ تَغْلَمَ أَنَّ اللَّهَ جَعَلَهَا سَكَنًا وَ مُسْتَرَا حًا وَأُنْسًا... فَإِنَّ لَهَا حَقَّ الرِّحْمَةِ وَ الْمُؤَانَسَةِ وَ مَوْضِعَ السُّكُونِ إِلَيْهَا فَضَاءَ اللَّذَّةِ الَّتِي لَا بَدَّ مِنْ قَضَائِهَا.» (ابن شعبه، ۱۴۰۴، ص ۲۶۱) حضور اعضای خانواده در کنار هم باید منشأ انس و آرامش باشد. «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا.» (روم/۲۱) «لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا.» (اعراف/۱۸۹)

با توجه به اینکه بانوان به جلوه‌گری علاقه‌مند هستند، اگر این توجه و زیبایی برای همسر خود به‌کار رود، نه تنها از گناه محفوظ می‌مانند، بلکه نیازهای خود و همسرشان را نیز تأمین می‌کنند. چنان‌که در روایت آمده است: «رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ اخْتَضَبَ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ اخْتَضَبْتَ فَقَالَ نَعَمْ إِنَّ التَّهْنِئَةَ مِمَّا يَزِيدُ فِي عَقَّةٍ.» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۶۷). از جمله





اقداماتی که می‌توان آن را به خاطر محبت خدا انجام داد، تمکین است. بانوان می‌توانند برای رضایت الهی، امور مادی و به ظاهر کم‌اهمیت را ارزشمند کرده و در کنار کسب ثواب، پیوندهای خانوادگی را مستحکم نمایند. «إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ مَعَالِيَ الْأُمُورِ وَأَشْرَافَهَا وَيَكْرَهُ سَفْسَافَهَا.» (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۸۰۴) خدای متعال در کنار محدودیت‌هایی که برای بندگان قرار داده، مجوزهایی نیز فراهم کرده است: «إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ أَنْ يُؤْخَذَ بِرُخْصِهِ كَمَا يَحِبُّ أَنْ يُؤْخَذَ بِعَزَائِمِهِ.» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۸۱).

بنابراین، محبت الهی همان الهام‌بخش اصلی تعمیق پیوند میان زن و مرد شمرده می‌شود و نقش بی‌بدیلی در ایجاد و صیانت از آرامش، اعتماد و همکاری در زندگی همسری دارد. آموزه‌های قرآنی و روایی، محوریت محبت الهی را عامل اساسی برای پایایی، گذشت و فداکاری متقابل در روابط زناشویی می‌دانند و بر رفع مشکلات رایج عصر مدرن - چون بی‌مهری، اضطراب و سستی بنیان خانواده - تأکید دارند. تعالی رفتار اخلاقی، پوشش نیازهای عاطفی، مالی، روانی و معنوی، همگی با انگیزه محبت و کسب رضایت الهی تکمیل می‌شوند. بدین‌سان، نقطه اتکای خانواده مؤمن نه بر محور سودگرایی فردی، بلکه بر بنیاد عشق الهی و رعایت اصول اخلاقی استوار می‌گردد. بی‌تردید، بازگشت به این سرمایه معنوی می‌تواند خانواده‌ها را در برابر آسیب‌های گفتمان غربی فردمحور و بحران‌های معاصر مصون سازد.

ب. بُعد فرزند و تربیتی

محبت الهی، در نگاه قرآنی، فقط منحصر به رابطه عاطفی والدین نیست، بلکه ریشه و معیاری برای تربیت هدفمند و متعالی فرزندان شمرده می‌شود. بُعد تربیتی خانواده، با الهام از آیات قرآن و روایات، بر پایه‌ی تحقق بندگی خدا، عدالت‌ورزی و تقویت فضیلت‌های اخلاقی شکل می‌گیرد. در این چارچوب، والدین مأمور به پرورش فرزندان هستند که منبع آرامش و افتخار معنوی خانواده باشند؛ لذا تربیت، نه تنها یک مسئولیت اجتماعی، بلکه عبادتی الهی محسوب می‌شود. محبت الهی، جهت‌دهنده تمامی رفتارها و تصمیمات والدین در قبال فرزندان است و حتی مزین‌کننده روابط درون خانوادگی به عفو، همدلی، گذشت و عدالت

خواهد بود. با این دیدگاه، رشد فرزندان صالح، تحقق آرامش و برکت خانوادگی و نیز سعادت دنیوی و اخروی افراد، در گرو تربیتی است که از سرچشمه محبت به خدا الهام گرفته باشد.

محبت الهی در قرآن صرفاً به عاطفه والدین ختم نمی‌شود، بلکه نقش مهمی در تربیت فرزندان دارد. در دعای مؤمنان آمده است: «رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ» (فرقان/ ۷۴)، که نشان می‌دهد فرزند باید منبع آرامش و نور چشم والدین باشد. این آیه دلالت بر تربیت صحیح دینی و اخلاقی است، زیرا تنها در سایه محبت الهی و تربیت ایمانی، فرزندان مایه آرامش واقعی خواهند شد.

تعلیم و تربیت فرزندان می‌تواند با نیت خداوندی انجام شود. طبق روایت، «مَنْ تَعَلَّمَ لِلَّهِ وَعَمِلَ لِلَّهِ وَعَلَّمَ لِلَّهِ دُعِيَ فِي مَلَكَوَتِ السَّمَاوَاتِ عَظِيمًا» (طوسی، ۱۴۱۴، ص ۱۶۸) از طریق چنین رویکردی، بندگان نزد خداوند متعال به عظمت می‌رسند. مؤمنان تمام لحظات زندگی خود را بر پایه معیارهای الهی تصمیم‌گیری و عمل می‌کنند. توانایی در تربیت فرزند صالح یکی از آرزوهای مشترک بشریت است، زیرا فرزند صالح همچون گلی از بهشت است: «إِنَّ الْوَلَدَ الصَّالِحَ رِيحَانَةٌ مِنْ رِيَاحِينِ الْجَنَّةِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۳). بنابراین، والدین وظیفه دارند فرزندان خود را برای بندگی و اطاعت خداوند آماده کنند: «وَأَمَّا حَقٌّ وَلَدِكَ ... وَأَنْتَ مَسْئُولٌ عَمَّا وَلَيْتَهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَالِدَالَةِ عَلَى رَبِّهِ، عَزَّ وَجَلَّ وَالْمَعُونَةِ عَلَى طَاعَتِهِ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۶۲۲).

والدین به خاطر خدا بین فرزندان خود به قسط و عدل رفتار می‌کنند. عدم توجه به نگاه الهی در زندگی می‌تواند تربیت فرزندان را تحت تأثیر قرار دهد، همان‌طور که در دوران جاهلیت و دوری از خدا، بی‌عدالتی زیادی بین دختران و پسران وجود داشت و به دختران ارزشی قائل نبودند: «وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنْثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ. يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ» (نحل/ ۵۸ و ۵۹) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۹۰) این رفتار عادلانه والدین بین فرزندان، الگویی برای آنان است که در آینده نیز بین والدین خود عدالت را رعایت کنند: «إِعْدِلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ فِي التُّحْلِ، كَمَا تُحِبُّونَ أَنْ يَعْدِلُوا بَيْنَكُمْ فِي الْبِرِّ وَاللُّطْفِ» (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۲۲۰).

محبت الهی در خانواده، مبنای رفتارهای اخلاقی مانند گذشت، ایثار، همدلی و خدمت به





یکدیگر است. در نگاه تفسیری، این محبت صرفاً احساس درونی نیست بلکه یک تکلیف الهی است که باید در عمل متجلی گردد. همان گونه که خداوند محبت خود را با رحمت و بخشش نشان می‌دهد، اعضای خانواده نیز مأمورند محبت خود را در قالب عمل به یکدیگر عرضه کنند. مؤمنان همچنین در تحقق دنیای خود در چارچوب دین عمل می‌کنند. آن‌ها نیازمند مال، رزق و طول عمر هستند، اما این نیازها را از طریق بندگی و مسیرهای صحیح به دست می‌آورند. «الْقَوْلُ الْحَسَنُ يَثْرِي الْمَالَ وَ يَنْمِي الرِّزْقَ وَ يَنْسِي فِي الْأَجَلِ وَ يَحْبِبُ إِلَى الْأَهْلِ وَ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ.» (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ص ۳۱۷) افراد بد اخلاق همیشه با پیامدهای منفی اخلاقی مواجه می‌شوند. «ثَلَاثٌ لَا يَهْتَنُّ لِصَاحِبِهِنَّ عَيْشٌ: الْحَقْدُ، وَالْحَسَدُ، وَ سُوءُ الْخُلُقِ.» (آمدی، ۱۴۱۰، ص ۳۳۰) به همین دلیل، مؤمنان برای تأمین روابط اخلاقی سالم با خانواده، به خاطر خدا، در چارچوب اخلاق عمل می‌کنند، تا علاوه بر دستیابی به مصلحت دنیوی، به هدف اصلی خود یعنی رضایت خدای رحمان، برسند.

بر اساس تحلیل تفسیری قرآن و روایات، محبت الهی بنیان اصلی در تربیت فرزندان صالح، عدالت محور و بافضیلت است و موجبات قرة العین بودن ایشان برای والدین را فراهم می‌آورد. رویکرد الهی به تربیت، خانواده را نه صرفاً مأمنی عاطفی، بلکه مدرسه تعالی اخلاقی، دینی و انسانی معرفی می‌کند و رفتار والدین را به الگویی برای تمام عمر فرزندان تبدیل می‌سازد. حفظ عدالت، نیکی، و هدایت فرزندان به بندگی و عبودیت، راهگشای دستیابی به آرامش اصیل خانوادگی و جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی خواهد بود. محبت الهی، همه مناسبات خانوادگی را به مدار خدمت، همدلی و رشد سوق می‌دهد و بر خلاف الگوهای تربیتی فردگرایانه، بر مسؤولیت پذیری و پرورش ابعاد معنوی تأکید دارد. در نهایت می‌توان گفت که رمز پایداری و استحکام نهاد خانواده و تربیت نسل‌های سلیم و صالح، تداوم محبت الهی در ساحت تربیت و پرورش فرزندان است.

۲. مقایسه تطبیقی با مبانی خانواده در غرب

مطالعه تطبیقی الگوی خانواده در قرآن کریم و فرهنگ مدرن غرب، نشان‌دهنده اختلاف

بنیادین در مبانی، اهداف و سازوکاری روابط خانوادگی است. در حالی که بنیان خانواده قرآنی بر محور محبت الهی، تعهد جمعی و تربیت معنوی شکل می‌گیرد، خانواده در اندیشه غربی عمدتاً بر اساس فردگرایی، قرارداد اجتماعی و تأمین منافع شخصی بنا شده است. محورهای اصلی خانواده غربی پس از عصر روشنگری، بر اصالت انسان و استقلال فردی تأکید داشته و اصول الهی و توحیدی تا حد زیادی از ساختار آن حذف گردیده است. پیامدهای رویکرد فردمحور در غرب همچون تضعیف انسجام خانواده، افزایش طلاق و بحران هویت خانوادگی، ضرورت بازنگری در این الگو را آشکار ساخته است. بررسی و مقایسه این دو نظام، علاوه بر تبیین تفاوت‌های معرفتی و کارکردی، زمینه بازشناسی مؤلفه‌های سلامت و پایداری در نهاد خانواده را فراهم می‌آورد.

فردگرایی، فلسفه‌ای است در مورد زندگی؛ که بر اولویت نیازهای فردی بر نیازهای گروهی، روابط اجتماعی نه‌چندان منسجم و گرایش به خودمختاری تأکید دارد. (فرانزوی، استفن ال، ۱۳۸۱: ۲۲) هابز، فردگرایی ذره‌ای را بیان نموده است، و دیگری فردگرایی ملکی را تبیین کرده است. (جهانیان، ناصر، ۱۳۸۷: ۵)

فردگرایی^۱ یا اصالت فرد، رکن مهمی در نظام غرب است و به در نهایت این نظام قرار دارد دارد. (Schnitzer, Martin c / ۳۸) قرائتهای فراوانی از فردگرایی در غرب وجود دارد: از فردگرایی انحصارگرا^۲ تا فردگرایی گسترش‌خواه^۳. لیوکس^۴ حداقل یازده معنای ممکن برای واژه فردگرایی بیان کرده است. (The NewPalgrave / ۷۹۱).

این مکتب با قرار دادن انسان در مرکز توجه، اصالت را به رشد و شکوفایی او می‌بخشد. آن در تاریخ غرب دو گرایش اصلی داشته است: فردگرا و جمع‌گرا. گرایش فردگرا که تفسیر غالب از انسان‌گرایی محسوب می‌شود، بر اصالت فرد انسانی تأکید دارد و بیش‌تر در لیبرالیسم و

1. Individualism

2. Possessive Ind

3. Developmental Ind

4. Lukes





کاپیتالیسم نمود پیدا کرده است. در مقابل، گرایش جمع‌گرا در مکاتب سوسیالیسم و مارکسیسم خود را نشان می‌دهد. (بیات، عبدالرسول، ۱۳۸۴: ۴۰)

برخی میل خانواده را بر اساس قرارداد میان دو فرد مستقل می‌دانند، نه بر پایه یک پیوند مقدس. در این نگاه، تداوم خانواده تنها تا زمانی معتبر است که حقوق و خواسته‌های فردی تأمین شود. جان‌گری می‌گوید: به دلیل عاطفی‌تر بودن زنان، آنها از شوهرشان بیشتر دلسوزی می‌خواهند، در حالی که مردها بیشتر اعتقاد و اعتماد همسرشان را می‌خواهند. وقتی مرد نشان می‌دهد که به احساسات همسرش و به آنچه در دل او می‌گذرد اهمیت می‌دهد، زن حس می‌کند که شوهرش نگران و دلوپس و غمخوار اوست. (جان‌گری، مردان مریخی، زنان ونوسی، ۱۳۷۶، ص ۱۳۱)

در نظریه‌های روان‌شناسی غربی محبت بیشتر به عنوان کشش جنسی، عشق رمانتیک یا نیاز عاطفی تعریف می‌شود که ثبات چندانی ندارد. «در گذشته، خانواده واحد اقتصادی مهمی بود. پس مردم باید ازدواج می‌کردند. ولی اکنون خانواده جایی است برای ارضای نیازهای شهوانی که بر پایه توافق، چند صباحی تشکیل می‌شود، هر کدام از زن و شوهر دارای شغل و درآمدند و به یکدیگر وابسته نیستند و مانعی برای جدایی و فروپاشی خانواده وجود ندارد.» (رونالد اینگلهارت، ۱۳۷۳، ص ۲۰۲)

در بسیاری از کشورها، خانواده بیشتر یک «واحد حقوقی» است تا یک پیوند معنوی. قوانین طلاق آسان، روابط آزاد پیش از ازدواج، و گسترش خانواده‌های تک‌والدی، نمونه‌هایی از این مبنا هستند. در جوامع غربی که الگوی محبت الهی نمود خاصی ندارد، مردان به علت توانایی اقتصادی، رئیس خانواده قلمداد می‌شوند و دارای اهمیت بیشتری نسبت به سایرین خواهند بود. «در نظر پارسونز، وجود سلسه قدرت در خانواده ضروری است. مرد رئیس خانواده و سایرین مرئوس هستند.» (پارسونز، ۱۹۵۵، ۴۵)

اگر معیار دینی و محبت الهی، برای فرزند پروری وجود نداشته باشد، جامعه دچار آسیب‌های فراوانی می‌شود. روانشناسان غربی اذعان می‌کنند که تعداد رها کردن کودکان غربی بسیار زیاد است. و احساس فرزند پروری و محبت به آنها بسیار کم است. «در سال ۱۹۹۱ روزانه

دست کم، يك نوزاد در كوجه ها و در كليساها رها شده اند.» (رونالد اینگلهارت، ۱۳۷۳، ص ۱۷۱) «در غرب تربیت فرزندان به عنوان يك وظیفه و مسدولیت دانسته نمی شود و والدین احساس پدری و مادری چندانی ندارند. فرزندان در غرب تا ۱۸ سالگی با خانواده زندگی می کنند، و بعد از آن مستقل زندگی می کنند.» (هنری پاول ماسن، رشد و شخصیت کودک، ص ۵۴)

از بدترین نتایج فردگرایی غربی می توان به متلاشی شدن خانواده در غرب اشاره کرد. شکل گیری خانواده بر مبنای گذشت و تأمین منافع مشترک است. برای تحقق خانواده افراد باید به منافع فردی خود کمتر توجه کنند تا امور خانواده به خوبی پیش رود و با سازگاری حداکثری و توقع حداقلی خود را فدای جمع خانواده کنند. اما در نظریه فردگرایی غرب، چون ملاک سود حداکثری و لحظه ای است، خانواده جایگاهی ندارد. چون افراد فدا شدن در خانواده را به معنای از بین رفتن منفعت شخصی خود می دانند و دلیلی ندارد تا صبر مشکلات خانوادگی صبر کنند. فقدان توحید محوری نیز بر این امر دامن می زند. و نبود خدا در زندگی آنها نیز مانع دیگر است که صبر کردن بر شکل گیری خانواده را دشوار ساخته است که نمی توانند برای خدا سازگاری به خرج دهند تا به اجر آن نیز برسند: «تلاشی خانواده؛ بنیان خانواده در غرب دچار زلزله شدید است.» (مقام معظم رهبری ۱۳/۰۶/۱۳۹۳) «از بزرگترین بلاهایی که گریبان کشورهای غربی را به شدت گرفته و آنها را به وضعیت نامطلوب شدیدی دچار کرده، مسأله ی خانواده است.» (مقام معظم رهبری ۳۰/۰۷/۱۳۷۶) «فردگرایی موجب از بین رفتن زندگی خانوادگی شده و افراد به صورت فردی به زندگی خود ادامه می دهند.» (صادقی، سهیلا، بی تا: ص ۶۳) شهید مطهری نیز خانواده را دارای یک امر اجتماعی بیان می کند و دارای فلسفه آن فرزندآوری و کانون تربیت است: «در اسلام فلسفه تشکیل خانواده و فرزندآوری کانون تربیت است و جنبه اجتماعی دارد.» (مطهری، مرتضی، ۱۳۷۸: ص ۴۷)

برخی از اندیشمندان غربی نیز قائل هستند که در غرب خانواده از انسجام خوبی برخوردار نیست. بلکه یک قرار داد موقت است که در هر لحظه قابل فسخ شدن می باشد: «این گونه تغییرات، تأثیرات چشمگیری بر تحولات خانواده بر جای گذاشته است و به طور خاص، خانواده گسترده جای خود را به خانواده هسته ای داده است.» (رابرتسون، یان، ۱۳۷۲: ۳۲۰) «به ازدواج





همچون یک قرارداد کاری نگریسته میشود که هرگاه زن وشوهر مایل باشند میتوانند آن را فسخ کنند.» (گیدنز، آنتونی، ۱۳۸۶: ص ۲۵۰)

بر اساس تحلیل تطبیقی، دیدگاه قرآنی و غربی نسبت به خانواده دارای تفاوت‌های ماهوی و کارکردی قابل توجهی است. در حالی که خانواده قرآنی بر مبنای محبت الهی، فداکاری، همبستگی و مسؤولیت تربیتی قوام می‌یابد، خانواده غربی اغلب اسیر منافع فردی، قرارداد موقتی و عشق زودگذر است. کاهش نقش دین، رواج فردگرایی افراطی و حاکمیت نگاه بهره‌محور، سستی و آسیب‌پذیری نهاد خانواده را در فرهنگ غربی به دنبال داشته است. برعکس، رویکرد الهی قرآن، ظرفیت بازسازی اخلاق، ثبات و معنابخشی به روابط خانوادگی را عرضه می‌کند و سلامت روانی و اجتماعی را تضمین می‌نماید. این مقایسه نشان می‌دهد که بازگشت به الگوی الهی - انسانی قرآن، راهکاری کارآمد برای عبور از بحران خانواده در جهان معاصر خواهد بود.

۳. الگوی قرآنی - تفسیری خانواده مبتنی بر محبت الهی

در منظومه معرفتی قرآن کریم، خانواده نه صرفاً یک نهاد اجتماعی، بلکه کانونی الهی و معنوی تلقی می‌شود که مبنای آن بر محبت الهی استوار است. آیات متعددی، همچون «وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» و «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ»، نقش فیض، رحمت و محبت الهی را به عنوان سرچشمه روابط خانوادگی بیان می‌دارد. در نگاه تفسیری، محبت در خانواده یک عطیه معنوی، عامل پیوند ژرف روحی و مبنای پایداری و آرامش کانون خانوادگی است. این الگو با تنظیم روابط همسری بر محور سکینه، مودت و رحمت و تأکید بر تربیت نسل صالح، رسالتی فراتر از رفع نیازهای زیستی و عاطفی برای خانواده قائل است. تفسیر قرآنی خانواده، زمینه‌ساز ارتقاء اخلاق، پایداری پیوندها، و تحقق سعادت دنیوی و اخروی در جامعه انسانی خواهد بود. بر اساس تفسیر آیات قرآن کریم و منابع تفسیری معتبر، می‌توان الگوی قرآنی خانواده را در چارچوب «محبت الهی» به عنوان مبنا و محور اصلی سامان‌دهی روابط خانوادگی ترسیم کرد. نخستین رکن این الگو، مبدأ محبت است که از فیض الهی سرچشمه می‌گیرد و در آیات



متعددی همچون «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (بقره/۱۹۵) و «وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (روم/۲۱) مورد تأکید قرار گرفته است. در این نگاه، محبت نه امری صرفاً عاطفی، بلکه عطیه‌ای الهی و نیرویی سازنده برای ایجاد پیوندهای عمیق انسانی و الهی در خانواده محسوب می‌شود. دومین رکن، جریان محبت در روابط خانوادگی است. قرآن در حوزه همسری، سه مفهوم کلیدی «مودت، رحمت و سکینه» را به‌عنوان پایه‌های آرامش و انسجام معرفی می‌کند (روم/۲۱). این عناصر، چارچوبی نظری و عملی برای روابط عاطفی و رفتاری میان زن و شوهر فراهم می‌آورند؛ مودت بیانگر عشق و گرایش قلبی، رحمت نشان‌دهنده مهربانی و گذشت متقابل، و سکینه ناظر بر آرامش و اطمینان روحی است. ثمرات این جریان محبت در سه سطح قابل شناسایی است: نخست، آرامش روانی فردی و خانوادگی که بستر رشد شخصیت سالم را فراهم می‌آورد؛ دوم، پایداری نهادی خانواده که موجب کاهش تعارضات و افزایش کارکردهای حمایتی می‌شود؛ و سوم، تربیت ایمانی فرزندان و همبستگی اجتماعی که پیوند میان نسل‌ها را تحکیم کرده و سلامت جامعه را تضمین می‌سازد. در نهایت، قرآن راهکارهایی برای تقویت محبت در خانواده ارائه می‌دهد؛ از جمله دعا برای داشتن همسر و فرزندان صالح (فرقان/۷۴)، عمل به احسان و نیکی، گذشت در برابر خطاها، خدمت متقابل میان اعضا و التزام به اخلاق و ارزش‌های دینی. این ابزارها نه تنها مانع فروپاشی عاطفی می‌شوند، بلکه زمینه ارتقای روابط معنوی و اجتماعی را نیز فراهم می‌کنند. بر مبنای آموزه‌ها و تفاسیر قرآنی، خانواده‌ای که بر محور محبت الهی سامان یابد، از استحکام، آرامش و انسجام حقیقی برخوردار خواهد بود. محبت الهی، جریانی زاینده و دوجانبه در روابط همسران، والدین و فرزندان ایجاد می‌کند که سامان‌دهنده عدالت، عفو، همدلی و انفاق میان اعضاست. دستورات عملی قرآن همچون دعا، احسان، گذشت و التزام به ارزش‌های الهی، ابزار تقویت این پیوند مقدس و ارتقای کیفیت زیست خانوادگی معرفی می‌شود. الگوی قرآنی، همه ابعاد نیاز انسان را در فضای خانواده پاسخ داده و موجبات پایداری، سلامت و رشد اخلاقی و معنوی نسل‌ها را فراهم می‌سازد. در نهایت، الگوبرداری از این منظومه معنوی، نسخه‌ای راهگشا برای درمان آسیب‌ها و بحران‌های خانواده در عصر حاضر به‌شمار می‌رود.

نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان داد که محبت الهی، فراتر از یک مفهوم صرفاً معنوی، می‌تواند به عنوان یک الگوی عملیاتی برای بازسازی و تحکیم روابط خانوادگی به کار گرفته شود. نوآوری اصلی این تحقیق در آن است که محبت الهی نه تنها به طور نظری مورد تبیین قرار گرفت، بلکه ابعاد کاربردی آن در حوزه‌هایی همچون اخلاق، تربیت، اقتصاد و سبک زندگی خانوادگی به صورت نظام‌مند بررسی شد. این مطالعه نشان داد که با تقویت خدامحوری و روابط معنوی، می‌توان زمینه‌ای عملی برای افزایش همدلی، احترام متقابل، همکاری و امنیت روانی در خانواده‌ها فراهم آورد. بدین ترتیب، پژوهش حاضر الگویی نوین و قابل اجرا برای بهره‌گیری از ارزش‌های الهی در بهبود روابط خانوادگی ارائه می‌دهد که می‌تواند هم در سطح نظری و هم در عرصه سیاست‌گذاری اجتماعی الهام‌بخش باشد.



منابع

- *قرآن کریم، ترجمه فولادوند
- *نهج البلاغه
- *صحیفه سجادیه
۱. آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۴۱۰). *غرر الحکم*. (مصطفی درایتی، پدیدآور). قم: مکتب الإعلام الإسلامی. مرکز النشر.
 ۲. ابن بابویه. (۱۳۶۲). *الخصال*. علمیه اسلامیة.
 ۳. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۸). *عیون أخبار الرضا* (محمدتقی بن محمدباقر آقاجفی، مترجم). علمیه اسلامیة.
 ۴. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۱۳). *من لا یحضره الفقیه*. (علی اکبر غفاری و علی اکبر غفاری، پدیدآورندگان). جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية بقم. مؤسسة النشر الإسلامی.
 ۵. ابن شعبه، حسن بن علی. (۱۴۰۴). *تحف العقول*. (علی اکبر غفاری، پدیدآور). جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية بقم. مؤسسة النشر الإسلامی.
 ۶. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی. (۱۴۰۸). *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*. (محمد مهدی ناصح و محمد جعفر یاحقی، پدیدآورندگان). مشهد: آستان قدس رضوی. بنیاد پژوهشهای اسلامی.
 ۷. بحرانی، هاشم بن سلیمان. (۱۴۱۵). *البرهان فی تفسیر القرآن*. (بنیاد بعثت. واحد تحقیقات اسلامی، پدیدآور). قم: مؤسسة البعثة. مرکز الطباعة و النشر.
 ۸. برقی، احمد بن محمد. (۱۳۷۱). *المحاسن*. دار الکتب الإسلامیة.
 ۹. بیات، عبدالرسول. (۱۳۸۴). *فرهنگ واژه ها*. تهران: سمت.
 ۱۰. پاینده، ابوالقاسم (مترجم). (۱۳۸۲). *نهج الفصاحة*. دنیای دانش.
 ۱۱. جهانیان، ناصر. (۱۳۸۷). «فرد گرایی» و نظام لیبرال - سرمایه داری. فصل نامه کتاب نقد، (۱۱).
 ۱۲. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹). *تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل*





- الشريعة. (محمدرضا حسینی جلالی و مؤسسة آل الب. عليه السلام لإحياء التراث، پدیدآورندگان). مؤسسة آل الب. عليه السلام لإحياء التراث.
۱۳. حسن بن علی. (۱۴۰۹). *التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسک*. عليه السلام. مدرسة الإمام المهدي عليه السلام.
۱۴. دیلمی. (۱۴۰۸). *أعلام الدين في صفات المؤمنين*. مؤسسة آل الب. عليه السلام لإحياء التراث.
۱۵. رابرتسون، یان. (۱۳۷۲). *درآمدی بر جامعه شناسی*. انتشارات آستان قدس رضوی.
۱۶. سیوطی. (۱۴۰۴). *الدر المنثور في التفسير بالمأثور*. قم: مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفی (ره).
۱۷. صادقی، سهیلا. (بی تا). تحلیل جامعه شناختی تأثیرات مدرن شدن بر خانواده ایرانی و ضرورت تدوین الگوی ایرانی اسلامی. زن در فرهنگ و هنر.
۱۸. طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۹۰). *الميزان في تفسير القرآن*. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۱۹. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). *مجمع البیان*. تهران: ناسر خسرو.
۲۰. طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۹). *التبيان في تفسير القرآن*. (محمد محسن آقابزرگ تهرانی و احمد حبیب عاملی، پدیدآورندگان). تهران: دار إحياء التراث العربی.
۲۱. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴). *الأمالي (طوسی)*. دار الثقافة.
۲۲. فرانزوی، استفن ال. (۱۳۸۱). *روان شناسی اجتماعی*. تهران: رسا.
۲۳. فیض کاشانی. (۱۳۸۳). *المحجة البيضاء*.
۲۴. فیض کاشانی. (۱۴۰۶). *الوافی*. مكتبة الإمام أمير المؤمنين عليه السلام العامة.
۲۵. قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۳). *تفسير القمى*. (طیب جزایری و طیب جزایری، پدیدآورندگان). قم: دار الكتاب | مكتبة الهدی.
۲۶. کفعمی، ابراهیم بن علی. (۱۴۱۸). *البلد الأمين*.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷). *أصول کافی*. (محمود کتابچی، پدیدآور، هاشم

رسولی و جواد مصطفوی، مترجمان). تهران: کتابفروشی علمیه اسلامیة.

۲۸. گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۶). *جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*. تهران: نی.

۲۹. مجلسی، محمدباقر (پدیدآور). (۱۴۰۳). *بحار الأنوار*. بیروت: وزارة الثقافة والإرشاد الإسلامي. مؤسسة الطبع والنشر.

۳۰. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۸). *یادداشت‌های استاد مطهری*. تهران: صدار.

۳۱. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*. تهران: مدرسة الإمام علی بن أبی طالب علیه السلام | هدف.

۳۲. نوری، حسین بن محمدتقی. (۱۴۰۸). *مستدرک الوسائل*. (مؤسسة آل البی علیه السلام) للاحیاء التراث، پدیدآور. مؤسسة آل البی علیه السلام لإحياء التراث.

۳۳. واعظ زاده، محمد. (۱۳۸۸). *المعجم فی فقه لغة القرآن و سر بلاغته*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

۳۴. هنری پاول ماسن، (۱۳۹۵)، *رشد و شخصیت کودک*، مهشید یاسایی، نشر مرکز،

تهران.

35. Parsons. Talcott. And R. E Beles. ۱۹۵۵ Family socialization. and interacting process. Glenco Ill: Free press

سایت: <https://farsi.khamenei.ir/>

